

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

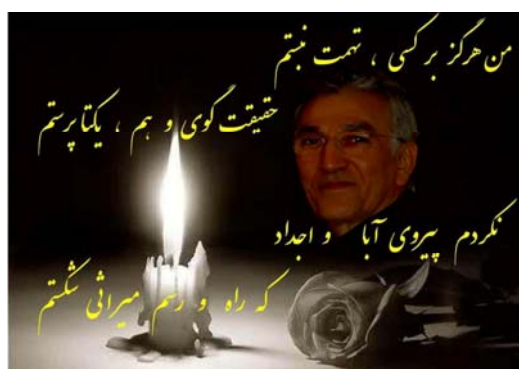
afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده

۰۹ اکتوبر ۲۰۱۸



۴ - از بنده حقیر به استقبال از نشیده جناب "ظاهره قره العین"

خلوتگاه راز

بیا و رخ بنما، دلبران شیدا را
عطش فرو بینشان، با رحیق مختومت
فگن به دور، حجابی ز سِر مکنونت
به بحر وصل تو، بی ناخداست زورق دل
در انتظار تو ام، آنچنان که میریزی
درون سینه دلم در فغان و فریاد است
به ساحلی که محبت فگنده لنگر هجر
به دام رنگ و هوس، گر کسی گرفتار است
هر آنکه از حرم عشق، عاشقی آموخت
مقام فقر، میسر نمی شود به کسی
به کعبه و به کلیسا و مسجد و به کنشت
به بارگاه حضورش، خمار و مست و خراب
به جست و جوی جمالش کجا روی «نعمت»
شراب وصل چشان، عاشقان رسوا را
به کام تشنه چکان، قطره های احلا را
به فضل خویش نما حلّ این معما را
به هر طرف که کشانی، امید تنها را
به مجمر دل مجنون، سپندر لیلا را
که تند باد حوادث، کجا برد ما را
به نقد جان نخرد هر کسی چلیپا را
به پَر کاهی دهد، زیور مطلا را
به رنگ و بون دهد، نمله های ادنا را
مگر که طی بکنند، وادی های معنا را
نه ذوق و شوق بود عارفان یکتا را
به عالمی ندهد، خلوت دلآرا را
جلا و صیقلی، آئینه های دلها را

۴- از بنده تحمیر باستقبال از نشیدهء جناب طاهره قره العین

خلوتگاه راز

بیا و رخ بنما، دلبران شیدا را
عَظَمش فسر و بشان، با رِحقِ مَحْمُوت
گفن به دور، حجابی ز سر مکنون
به بحر وصل تو، بی ناخداست زورقِ دل
در انتظار توام، آنچنان که می ریزی
درون سینه دلم در فغان و فساد است
به ساحلی که محبت گننده لنگرِ حجر
به دام رنگ و هوس، گر کسی گرفتار است
هر آنکه از حرم عشق، عاشقی آموخت
مقام فقر، میسر نمی شود به کسی
به کعبه و، به کلیا و، مجد و، به کشت
به بارگاه حضورش، خمار و مست و خراب
به جت و جوی جالش، کجای روی «نعت»
شراب وصل چشان، عاشقان رسوا را
به کام تشنه چکان، قطره های احلا را
به فضل خویش نما حلّ این معمارا
به هر طرف که کشانی، امید تهارا
به مجسم دل مجنون، سپند لیلا را
که تند باد حوادث، کجا برد مارا
به نقد جان نخرده هر کسی چلیپا را
به پر کاهی دهد، زیور مظارا
به رنگ و بو نهد، نغمه های ادنارا
مگر که طلی بکشد وادی های معنارا
نه ذوق و شوق بُود عارفان یکتارا
به عالی نهد، خلوت دلآرا را
جلا و صیقلی، آئینه های دلهارا